مدارس دولتی سهم ناچیزی از نفرات برتر کنکور داشتند؛

عدالت آموزشی بهتر است یا مدارس غیرانتفاعی و سمپاد؟!

ابراهیم فاطمی

اعلام برترین‌های کنکوری که همین چند روز پیش اعلام شد، کافی بود تا دوباره زخم‌هایی دهان‌باز کنند و دوباره بحث‌هایی مطرح شوند؛ که مشخص نیست تا کی باید دنباله داشته باشند. همان بحثی که تحت عنوان عدالت آموزشی، بارها از آن صحبت شده و اما، وقایعی چون اعلام برترین‌های کنکور، باز هم این زخم را تازه می‌کند. ولی چرا؟ مگر چه ایرادی دارد که عده‌ای برترین‌های کنکور باشند؟ خب لابد بذرهایی را که کشته بودند، در قالب محصول برداشت می‌کنند. اشکال کار کجاست؟ اشکال کار، دقیقا در ترکیب این چهل نفر است؛ این که هر کدام از کجا آمده‌اند و کجا درس خوانده‌اند. این خط را که دنبال می‌کنید، می‌بینید که سهم مدارس دولتی، فقط ۸ درصد بوده است؛ یعنی ۳ نفر از همه این چهل نفر. همین نسبت‌سنجی‌ها بود که حسابی همه چیز را دوباره به هم ریخت.

باز هم تهرانی‌ها، باز هم سمپادی‌ها

نکته جالب این که بخش زیادی از برترین‌ها را، تهرانی‌ها و سمپادی‌ها تشکیل می‌دهند. از این جماعت چهل نفره نخبه، ۱۳ نفر پایتخت‌نشین بوده‌اند. به تعبیر دیگر، یک سوم. اصفهانی‌ها و یزدی‌ها هم که دوم و سوم بوده‌اند. یعنی هرچه که بوده، از کلانشهرها بوده. البته ظاهرا سال گذشته، ۱۴ نفر از این جماعت چهل نفره تهرانی بوده‌اند و ظاهرا گفته می‌شود که سهم پایتخت‌نشین‌ها پنج، شش درصدی ریزش داشته است. اما تلخ‌ترین بخش ماجرا، همین سهم دولتی‌ها و غیردولتی‌ها در این ماجراست. همان‌طور که اشاره شد، سه نفر، بله فقط سه نفر از مدارس دولتی به این جمع برترین‌ها راه یافته‌اند. البته در سال گذشته، این عدد دو و نیم درصد بوده؛ فقط یک نفر! البته شاید گفته شود که دو نفر از این‌ها هم که تحصیل کرده مدرسه هنرهای زیبای اصفهان بوده‌اند. آن را هم باید در زمره مدارس دولتی خاص طبقه‌بندی کنیم؛ نه مدارس دولتی معمولی.

دکتر رضا یادگاری، فعال اقتصادی و آموزشی درباره ورود مافیای آموزش به مدارس و خاصه مدارس غیرانتفاعی، به «توسعه ایرانی» می‌گوید: «مثلا مدارس غیرانتفاعی قرار بوده استعدادیابی کنند، اما چون پول این مدرسه‌ها را والدین تأمین می‌کنند؛ سعی می‌کنند نتایج را جوری طراحی کنند که به باب میل والدین باشد. این اتفاق در عرصه آموزشی هم رخ خواهد داد؛ چرا که نمره‌ها در کنکور اثر گذارند»

آه از این مدارس خاص

در برترین‌های کنکور امسال، سمپادی‌ها و غیرانتفاعی‌ها پیشتازند. ۲۴ نفر یعنی ۶۰ درصد سمپادی یا مدارسی برای استعدادهای درخشان که ورود به آن‌ها سختی‌های خودش را دارد و خیلی از خانواده‌ها از خیرش می‌گذرند. البته این عدد سال گذشته ۷۲ درصد بوده است. پس کمتر شده؛ ولی در عوض جایش را به نیمه‌دولتی‌ها و غیرانتفاعی‌ها داده است. نکته بعدی آن که ۶ درصد از داوطلبان برتر امسال هم، در مدارس نمونه دولتی بوده‌اند؛ باز هم مدارسی خاص و باز هم مدارسی که دولتی معمولی نبوده و نیستند. این را هم که باید ۱۵ درصد حساب کنیم. در پایان نیز، هفت نفرشان نیز در غیرانتفاعی‌ها درس خوانده‌اند؛ نزدیک به ۱۷,۵ درصد؛ که طبیعی است این‌ها هم نیاز به پول و پشتیبانی مالی و... دارند و کار هر کسی نیست. از این هفت نفر هم شش نفرشان تهرانی هستند؛ یعنی که باز هم وضعیت مرکزنشینان در جایی که پای پول به میان می‌آید، بهتر است.

علیه اصل سی‌ام قانون اساسی؟

خب، مشکل کجاست و کسانی که منتقد این وضع هستند، دقیقا چه می‌گویند؟ مشکل آن جاست که در اصل سی‌ام قانون اساسی این مملکت، به صراحت اعلام شده که: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.» آیا تحصیل در مدارس غیرانتفاعی و نیمه‌دولتی و هیئت‌امنایی و... رایگان است؟ می‌دانیم که خانواده‌ها باید هزینه کردی داشته باشند تا بتوانند فرزندان‌شان را به چنین مدارسی بفرستند. درباره مبالغ غیرانتفاعی‌ها و... هم که افزایش‌ها و اضافه‌هزینه‌ای که دریافت می‌کنند، حسابی در دسرساز شده است؛ طوری که بخشی از والدین ترجیح می‌دهند فرزندان‌شان دیگر در این مدارس درس نخوانند. چرا؟ چون هزینه‌اش را نمی‌توانند تأمین کنند. فرزام نوروزی، که خودش هم فعال فرهنگی و روزنامه‌نگار است، در این باره به ما می‌گوید: «این همه سال بچه‌ام را در غیرانتفاعی اسم نوشته‌ام. امسال حقیقتا نمی‌توانم؛ هزینه‌ها کمرشکن است. این به خود بچه آسیب می‌رساند؛ یک دفعه از محیط غیرانتفاعی می‌افتد به محیط دولتی و معمولی و این فاصله را نمی‌تواند توجیه و هضم کند. اما چه کار کنم، وقتی ندارم؟» در اصل سی‌ام قانون اساسی، هم تحصیلات پیش از دانشگاه باید رایگان و در دسترس عموم باشد؛ هم تحصیلات دانشگاهی در حد خودکفایی. سئوال این جاست که آیا یک دانش‌آموز معمولی، از یک خانواده معمولی در یک شهر و روستای معمولی، می‌تواند وقت بگذارد و درس بخواند و به دانشگاه برود و رشته‌های خوبی هم بخواند؟ به همین چهل نفر نگاه کنید تا پاسخ سئوال را بگیرید. این، در واقع به نوعی، یعنی طبقاتی شدن آموزش در کشورمان؛ حالا اگر از ماجرای سهمیه‌ای‌ها بگذریم...

نتیجه تلخ یک مصوبه تلخ‌تر

برخی از منتقدان، عقیده دارند که این نسبت‌بندی‌های نامتقارن در نفرات برتر کنکور، از نتایج مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی در دولت فعلی بوده است؛ که باعث شده تا این مدل کنکور دادن برای اولین‌بار اتفاق بیفتد. گفته شد که چنین طرحی، قرار بود که عدالت آموزشی را بیشتر گسترش بدهد؛ اما نتیجه‌اش چه شد؟ حضور تنها سه نفر از مدارس دولتی در جمع چهل نفره برگزیدگان کنکور! بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کنکور امسال در دو نوبت دی سال گذشته و تیر امسال برگزار شد و معدل دانش‌آموزان پایه دوازده در نتایج کنکور آن‌ها، اثر گذاری ۴۰ درصدی داشت. نتیجه؟ اهمیت پیدا کردن مدارس و بهانه‌ای مناسب برای افزایش هزینه‌های مدارس غیرانتفاعی و هزینه کردهای خارج از عرف این مدارس و دیگر مدارس خاص دولتی و نیمه‌دولتی. همه چیز هم که قابل توجیه است؛ آن‌ها با دانش‌آموزان خوب کار می‌کنند تا اثر گذاری معدل‌شان در کنکور بیشتر شود. البته همان موقع هم اعتراضات زیادی صورت گرفته؛ از جمله احمد نادری، نماینده مجلس. او گفت وقتی قبلا قانونی به این منظور گذاشته شده، چرا باید شورای عالی انقلاب فرهنگی قانون گذاری کند؟ منتقدان عقیده داشتند که وقتی قرار باشد که سوابق تحصیلی را لحاظ کنیم، این یعنی آن که دقت نمی‌کنیم در همه‌جای ایران، بچه‌ها در یک وضعیت درس نمی‌خوانند و این، یعنی هر کسی که پول بیشتر دارد و طبقه اجتماعی و اقتصادی‌اش بالاتر است، می‌تواند حضور پررنگ‌تری در این ماجرا داشته باشد.

خطر ورود مافیای آموزش

بحث ورود مافیای آموزش به مدارس و خاصه مدارس غیرانتفاعی، دیگر بحثی بود که در این باره مطرح شد. دکتر رضا یادگاری، فعال اقتصادی و آموزشی در این باره به توسعه ایرانی می‌گوید: «این اتفاق می‌تواند نتایج تلخی داشته باشد. یکی از بحث‌هایی که با آن روبه‌رو بوده‌ام، این بوده که مثلا مدارس قرار بوده استعدادیابی کنند و نتایج را به والدین بدهند. پول‌شان را از چه کسی می‌گیرند؟ پدر و مادرها. در نتیجه سعی می‌کردند نتایج را جوری طراحی کنند که به باب میل والدین باشد. چرا؟ چون اگر چنین کاری نمی‌کردند والدین تمایلی به پرداخت هزینه‌ها و اضافه‌هزینه‌ها نداشتند. به همین راحتی، در حوزه استعدادیابی آینده بچه‌ها را خراب می‌کردند؛ صرفا به خاطر دل والدین، البته بیشتر به خاطر جیب‌شان. حالا تصور کنید این اتفاق در عرصه آموزشی هم رخ خواهد داد؛ چرا که نمره‌ها در کنکور اثر گذارند. همان اتفاقی که مثلا در حوزه استعدادیابی بچه‌ها شاهد بودیم، این جا خیلی شدیدتر اتفاق خواهد افتاد؛ چرا که پول این مدرسه‌ها را والدین تأمین می‌کنند. یعنی به نوعی پول، قرار است که حلال مشکلات آموزشی باشد و این جالب نیست.»

ترک خوردن یک رویا

بحث عدالت آموزشی و ترک خوردن آن، در حالی با نگرانی دنبال می‌شود که تیرماه امسال کبگانیان، استاد دانشگاه عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در یک مناظره تلویزیونی آمار و ارقامی اعلام کرد که همه را بهت‌زده ساخت. اما این آمار و ارقام چه بودند؟ این که ۸۰ درصد رتبه‌های برتر زیر سه هزار کنکور را، دانش‌آموزان مدارس غیردولتی و دهک‌های ۸ و ۹ و ۱۰ جامعه تشکیل می‌دهند! یعنی دهک‌هایی که پولدارترین هستند. خب، این چه اشکالی دارد؟ پول دارند و درس می‌خوانند و می‌خواهند برای بچه‌های‌شان خرج کنند. مشکل این جاست که بفهمیم که تنها دو درصد از این سه هزار نفر را، دهک‌های اول و دوم و سوم، یعنی فقیرترین ایرانیان تشکیل می‌دهند. آیا ۸۰ درصد در مقابل ۲ درصد، به معنای عدالت آموزشی است؟ نکته تکان‌دهنده این جاست که دهک اول، یعنی ضعیف‌ترین شهروندان تنها دو دهم درصد در این سه هزار نفر سهم داشته‌اند؛ در حالی که دهک دهم یعنی پولدارترین‌ها، ۴۸ درصد این کیک بزرگ را به خودشان اختصاص داده‌اند! سهم مدارس دولتی هم از این سه هزار رتبه، ۲,۳ درصد، مدارس غیردولتی ۸۰ درصد و... بوده. در رشته‌های پزشکی و دندانپزشکی، دهک اول جامعه ۱,۳ درصد در سه هزار رتبه اول سهم داشته. سهم سه دهک پولدار جامعه چقدر بوده؟ ۸۶ درصد. تصور می‌کنید پزشکان و دندانپزشکان و نخبگانی که از این طبقات برمی‌خیزند، اساسا می‌توانند در کی از زندگی دهک‌های پایین داشته باشند و اساسا در این مملکت پایبند خواهند ماند یا مهاجرت را انتخاب خواهند کرد؟

بحث عدالت آموزشی و ترک خوردن آن، در حالی با نگرانی دنبال می‌شود که تیرماه امسال کبگانیان، استاد دانشگاه عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، در یک مناظره تلویزیونی آمار و ارقامی اعلام کرد که همه را بهت‌زده ساخت. این که ۸۰ درصد رتبه‌های برتر زیر سه هزار کنکور را، دانش‌آموزان مدارس غیردولتی و دهک‌های ۸ و ۹ و ۱۰ جامعه تشکیل می‌دهند!

طنز دوست‌داشتنی آقای وزیر

طنز ماجرا جایی است که رضا مرادصحرایی، وزیر نورسیده آموزش و پرورش، در جلسه‌ای با حضور مدیران تحت امرش، از آن‌ها خواسته که بچه‌های‌شان را در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند تا بدین وسیله، توجه به این مدارس بیشتر و بیشتر شود. او تلویحا اشاراتی هم داشت که رشد مدارس غیردولتی در شهر را، می‌توان نتیجه عملکرد ضعیف مدارس دولتی هم دانست. این در حالی است که همان سال گذشته، احمد توکلی، از فعالان شاخص و سابق اصولگرا و وقتی که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی قطعی به نظر می‌رسید، نامه‌ای سرگشاده به رئیس جمهور نوشت و هشدار داد که این مصوبه، یعنی کشاندن رقابت کنکور به امتحانات نهایی و یعنی دانش‌آموزان باید از سنین کمتر کیفیت آموزشی بهتری داشته باشند؛ و این‌ها یعنی نیازمند این خواهند بود به مدارس پولی و آموزشگاه‌های خصوصی بروند، جایی که بیشتر مردم توان پرداخت هزینه‌هایش را ندارند.

مداخله جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا در نیامی به تایید اعضا رسید؛

آغاز تقابل نظامی کودتاچیان و «اکوواس» در نیجر

فرشاد گلزاری

چندی پیش یعنی در ۲۶ ژوئیه، رهبران نظامی در نیجر بر کناری محمد بازوم، رئیس جمهوری این کشور، بسته شدن مرزها، برقراری مقررات منع آمد و شد، تعلیق قانون اساسی و همچنین ممنوعیت احزاب سیاسی را اعلام کردند. در ۲۸ ژوئیه، آن‌ها اعلام کردند ژنرال عبدالرحمان شیانی، فرمانده گارد ریاست جمهوری نیجر، به رهبری موقت و «ریاست شورای ملی موقت برای حفاظت از میهن» انتخاب شده است. در همانموقع بسیاری از تحلیلگران معتقد بودند که تعویض قدرت در این کشور که به سرعت نور انجام شد، نمی‌تواند به تنهایی کارِ چند ژنرال و سربازان تحت امرش باشد، بلکه یک سناریوی بزرگتر در این میان مطرح است. چند روز از این وضعیت گذشته بود که یکباره انگشت اتهام به سوی روسیه گرفته شد و در نهایت خبر آمد که «واگنر» دفتر خود در نیجر را رسماً افتتاح کرده است. افتتاح دفتر واگنر در نیجر شاید برای بسیاری از مخاطبان و حتی کارشناسان امور سیاسی و نظامی ارزش خاصی نداشته باشد اما واقعیت این است که آنها از قدیم در آفریقا حضور داشتند ولی هیچگاه به صورت رسمی در یک کشور اقدام به افتتاح دفتر رسمی نکردند. افتتاح این دفتر به خوبی به مانشان میداد که قرار نیست نیجر به این آرامی باقی بماند و بدون شک قرار است اقداماتی در آن رخ دهد که به نوعی درون خود یک بحران نقطه‌ای و سپس منطقه‌ای را دارد. واگنر و روسیه درست در زمانی حضور خود در نیجر را علنی کردند که روس‌ها در اوکراین توانستند به یک پیروزی مشخص مقابل کی‌یف دست پیدا کنند اما بحث این است که آنها در نیامی به دنبال توسعه نفوذ مسکو و عقیم کردن منافع فرانسه و غرب هستند. بسیاری از نظامیان بازنشسته در کشورهای آفریقایی که حالا در اندیشکده‌های آمریکایی و اروپایی مشغول به کار هستند همانموقع اعلام کردند که اگر مداخله یا جنگی در نیجر روی دهد می‌تواند آفریقا را با مشکل روبرو کند. در همانموقع کشورهای عضو جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا موسوم به «اکوواس» که به نوعی تحت حمایت گسترده کشورهای غربی مانند فرانسه، بریتانیا، ایالات متحده و حتی ایتالیا قرار دارند، جلسه اضطراری برگزار کردند و به تحلیل کودتای رخ داده در نیجر پرداختند. آنها معتقد بودند که با ارائه یک فرصت اضطراری به نظامیان نیجر می‌توانند مقدمات مذاکره با آنها و آزادی محمد بازوم، رئیس جمهور در حبس این کشور را فراهم کنند اما کودتاچیان نیجر به هیچ وجه به درخواست آنها توجه نکردند و در نهایت شاهد تند شدن سطح تقابل و مواضع دو طرف این معادله بودیم. اما آنچه در این میان از کمترین احتمال برخوردار بود، حمله یا هر نوع مداخله نظامی کشورهای عضو اکوواس علیه نیجر بود؛ چرا که نه تنها وضعیت امنیتی، اقتصادی و سیاسی در آفریقا بلکه وضعیت مبهم نظام بین‌الملل بعد از جنگ اوکراین باعث شده تا اقدامات اینچنینی به شدت زیر ذره‌بین قرار بگیرد اما گویا دیگر راهی برای اوکواس جز مداخله نظامی به نیجر باقی نمانده است!

علیرغم آنکه حسومی مسعودو، وزیر امور خارجه دولت مخلوع نیجر و مقامات آکوواس هدف حمله را محدود به کودتاچیان دانسته‌اند، به نظر می‌رسد که این سناریو به سادگی و آنگونه که گفته شده جلو نمی‌رود و ممکن است بحران جدید در قاره سیاه حادث شود

بحران جدید در آفریقا با حمله به نیامی!

حالا و با تمام این تفاسیر، جامعه اقتصادی کشورهای غرب آفریقا موسوم به «اکوواس» اعلام کرد، گردآوری «نیروهای آماده‌باش» خود را جهت بازگرداندن محمد بازوم، رئیس جمهور برکنار شده نیجر به عرصه قدرت، آغاز کرده است. بلوک اکوواس در بیانیه خود عنوان کرده که کمیته روسای ستاد دفاع، فعالیت نیروهای آماده‌باش را جهت احیای نظم قانون اساسی در نیجر آغاز کرده است. این کمیته پنجشنبه و جمعه در آکرا، پایتخت غنا جهت نهایی‌سازی استقرار نیروها تشکیل جلسه داده است. در این میان راشاتودی نوشت، این بلوک چند روز پیش استقرار «نیروهای آماده‌باش» را جهت «احیای نظم قانون اساسی» در نیجر تایید کرده بود. همچنین خبرگزاری فرانسه روز گذشته (جمعه) از قول منبعی در اکوواس گزارش کرد که شرکت کنندگان در نشست سران ستاد مشترک اکوواس که همچنان در غنا جریان دارد، قرار است درباره تاریخ احتمالی مداخله نظامی در نیجر صحبت کنند

خبرگزاری تاس روسیه هم از قول یک مقام ارشد اکوواس اعلام کرده که همه چیز برای آغاز یک مداخله نظامی آماده است و تاریخ احتمالی این مداخله در دومین روز این نشست مورد بحث قرار می‌گیرد به گفته ست آموآما، رئیس ستاد دفاعی نیروهای مسلح غنا، تصمیم برای یک عملیات نظامی از سوی اکوواس گرفته شده و یک ماموریت «با ثبات‌سازی» قرار است با این هدف انجام شود و در اسرع وقت محقق خواهد شد. پیشتر، عبدالفاتو موسی، کمیسیونر اکوواس برای امور سیاسی، صلح و امنیت در مراسم آغازین این نشست گفته بود که کشورهای این بلوک اقتصادی بجز آنهایی که تحت حکمرانی نظامی هستند مانند کیپ ورده، آماده‌اند تا واحدهای نظامی خود را برای واکنش سریع شرکت دهند که می‌تواند به مداخله نظامی در نیجر منجر شود. وزیر دفاع غنا نیز در این نشست اعلام کرده که یک کودتای موفق در نیجر تمامی کشورهای اکوواس را به خطر می‌اندازد. اینکه چنین اظهاراتی از سوی اعضای اکوواس مطرح شده، صرفاً نشان دهنده دیدگاه کشورهای آفریقایی نیست بلکه اساساً این جماعت مُهره‌های تحت حمایت کشورهای اروپایی و دولت ایالات متحده به حساب می‌آیند و در حقیقت مواضع غرب را بازگو می‌کنند.

در این میان اما با وجود آنکه مقدمات حمله نظامی به کودتاچیان در نیجر فراهم شده اما واشنگتن هنوز هم قصد ندارد در این سناریو چندان مسئولیت اصلی را بر عهده بگیرد. در این راستا جان کربی، سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در یک جلسه توجیهی عنوان کرد که ایالات متحده خواستار آزادی محمد بازوم، رئیس جمهور برکنار شده نیجر و بازگشتش به عرصه قدرت است. او در واکنش به سوالی مبنی بر اینکه آیا واشنگتن از مداخله نظامی بلوک اکوواس جهت احیای قدرت محمد بازوم حمایت خواهد کرد یا خیر، پاسخی مبهم ارائه داد و گفت که «من درباره مداخله نظامی اکوواس یا هر طرف دیگر گمانه‌زنی نخواهم کرد. ما همچنان معتقدیم که زمان و فضا برای دیپلماسی وجود دارد و می‌توان براساس احترام به اراده مردم نیجر عمل کرد». این مواضع ایالات متحده به نوعی نشان می‌دهد که کاخ سفید نمی‌خواهد در این سناریو خود را مقابل روسیه قرار دهد و از سوی دیگر نمی‌خواهد در چند جبهه مشغول باشد و به نوعی به نظر می‌رسد که می‌خواهد اروپا را درگیر این موضوع کند. در آخر باید به این موضوع اشاره شود که علیرغم آنکه حسومی مسعودو، وزیر امور خارجه دولت مخلوع نیجر و مقامات آکوواس هدف حمله را محدود به کودتاچیان اعلام کرده‌اند، به نظر می‌رسد که این سناریو به سادگی و آنگونه که گفته شده جلو نمی‌رود و ممکن است بحران جدید در قاره سیاه حادث شود.

مواضع آمریکا در مورد حمله اکوواس به نیجر نشان می‌دهد که کاخ سفید نمی‌خواهد در این سناریو خود را مقابل روسیه قرار دهد و همچنین مایل نیست در چند جبهه مشغول باشد و به نوعی می‌خواهد اروپا را درگیر این موضوع کند